

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزارها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
ما را به زلف خم به خم توست کارها
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
تا کی غم فراق کشم با فشارها
هر محنتی که بر سر ما می کنی بکن
نی دست گفت و گوست، نه پای فرارها
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
جای تو تا به عرش بود با وقارها
دیدم به پایداری من کس نمی رسد
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
تراج محنت تو شد این ملک بارها
با تو قمار عشق زدم، پاک باختم
آخر چه کار بود مرا با قمارها
پای امیدواری ما پرز آبله است
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
دل هم ز عشقبازی من سینه چاک شد
می گفتمش ز عاقبت کار و بارها
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
رفته ز دست، مرتبه اعتبارها
شب تا سحر به آتش غم گریه میکنی
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
عشاق را ز بسکه بد آموز کرده ای
قانع نمی شوند به بسوس و کنارها
نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت
این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ر بوده است

باشد «اسیر» در صف شب زنده دارها

(بن - المان، اگست ۱۹۹۹م)